

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هیوادوال کابلی
۱۳ اکتوبر ۲۰۰۹

هر که آب از دم شمشیر خورد نوشش باد!



قهرمان محبوب خلق ها

به روز سه شنبه سیزدهم اکتوبر ۲۰۰۹ منتظر «الزیدی»، فرزند صدیق خلق عراق که می توان اورا فرزند صدیق همه خلق های ستمکش و دربند نامید، پس از سپری نمودن نه ماه حبس در زندان دولت دست نشاندۀ امریکا و انگلیس در عراق، و چند مدتی پناه بردن به کشور لبنان، برای اولین بار از منطقه به قصد خارج (سویس) سفر نمود. منتظر «الزیدی» تنها قهرمان ملت درخون تبیده عراق است بلکه در اکثر کشورهای جهان، فراسوی مرزهای نژادی، لسانی، فرهنگی و غیره، ملیونها انسان واقعین، به شهامت و پامردی وی سر تعظیم فرود آورده، آن جوان فهیم و فداکار را که فقط دفاع از بیوه و یتیم عراق، ورد زبانش است، قهرمان واقعی و راستین می پندارند و باشنیدن نام وی دیدن تصویر وی، با شور و هیجان زاید الوصفی برایش کف زده و از وی استقبال می نمایند.

آری! منتظر «الزیدی» خبرنگار محبوب یکی از تلویزیون های محلی عراق ، با گذشتن از جان و زیرکی منحصر به فرد خود ، فریاد درگلوخفه شده میلیون ها عراقی زیرستم را به سان رعد سهمگین در اطراف و اکناف جهان پخش نمود. وی در انطباق کامل با عنعنۀ کشور عراق و ملل عرب منطقه یعنی عنعنۀ گذار کفش برکسی و اطلاق سگ به وی ، به عنوان شدیدترین شیوۀ ابراز ضدیت و خصومت با دشمن ، عمل نمود و با واکنش به حق خود در برابر سردمدار دون و سخیف قوای استیلاگر برکشورش - جورج دبلیو بوش - در ماه دسمبر سال گذشته ، توانست به آن عمل قهرمانانۀ خود صبغۀ ملی و دفاع از غرور پامال شده مردم خود را بدهد. در تاریخ معاصر جهان ، شاید به بسیاری ندرت فردی به این زودی و به این میزان مورد حمایت معنوی ، همدردی و مرجع جلب محبوبیت مردم سراسر جهان قرار گرفته شده باشد.

اما اگر از یک طرف شهامت بی مانند منتظر «الزیدی» که از خون های پاک ریخته شده دهها هزار هموطن بیگناه وی توسط قوای جنایتکار آمریکا و متحدین ، الهام گرفته است بار آورنده آن گونه محبوبیت در خور می باشد ، از سوی دیگر ، موجودیت خبرنگاران - به خصوص رسانه های خبری معتبر دنیا ، در آن لحظه ، در فراگیر شدن شهرت وی نقش اساسی داشته است. اگر برای لحظه ای هم که شده واکنش «الزیدی» را به دور از کمره های تلویزیون های دنیا نزد خود مجسم سازیم ، به این باور خواهیم رسید که شاید همه ابعاد آن عمل قهرمانانۀ وی آنآ کوچک و ناچیز جلوه داده شده و به شکل آوازه و یاهم «دروغ» به بیرون سرایت می نمود. پس زیرکی «الزیدی» در سنجش مکان ، زمان و شیوۀ آن ابتکار (که برای متمدن نماهای رقیق القلب فرصت اتهام آدمکشی را باقی نمی گذاشت) ، در جای آن قابل ستایش و ارج گذاری خاص است.

آنچه منتظر «الزیدی» به عنوان واکنش به حق به دفاع از خلق در بندکشورش انجام داد ، ننتها عملی بود قهرمانانه برای اعاده آبرو و حیثیت پامال شده ملت عراق بلکه در عین حال نمایانگر یک واقعیت انکارناپذیر دیگر هم است. و آن اینکه هرگاه فرزندان پاک طینت و از خودگذر ملل در بند و تحت ستم استعمار و ارتجاع که هر آن و هر روز به بهانه های مختلف موردهتک حرمت و قتل و غارت قرار می گیرند - که کشور عزیز خود ما افغانستان بارزترین نمونه آن است - دست به ابتکارات دشمن سوزینند ، دیومهیب استعمار متکی بر پاهای چوبین ارتجاع داخلی (ومذهبی) ، به سان برف در آفتاب از میان رفته و اشعۀ سوزان حقانیت و حق طلبی ، پایه های چوبین آن را آنآ خاکستر خواهد کرد.

آنچه فرزندان راستین ملل در بند - الزیدی های متحد و متشکل فردا - می باید از همین حال در دستور روز قرار دهند ، بیرون آمدن از دایرۀ یأس و ندانم کاری و تکیه بر قدرت توده های زحمتکش و قربانی مستمر استعمار و ارتجاع می باشد. دستیابی به خودآگاهی و به دور افگندن ترس تحمیل شده از طرف دشمنان تا دندان مسلح و ایادی زبون بومی آن ها ، اولین پیش شرط «الزیدی» شدن هر انسان با شهامت و ضد ظلم ، در ابعاد وسیع و ماندگار آن خواهد بود.

این راهم باید یادآور شد که «الزیدی» به نام کدام مرجع سیاسی و به دفاع از کدام ائدیولوژی در برابر دژخیم به دفاع از خلق خود برنخاست. پس واکنش وی را می توان یک واکنش ناب دانست که امکان هرگونه بهره برداری سیاسی و مصادره ابتکار قهرمانانۀ اش را به نفع یک جناح مشخص سیاسی مرفوع می سازد. آن انسان مستغنی و با شرافت، برای جلوگیری از پهن شدن هرگونه دام و دستبرد سیاسی بر قهرمانی اش ، به پر قیمت ترین تحایف پیشنهادی شیوخ عرب و دیگر زمامداران منطقه ، دست رد زده و فقط بردفاع از حق بیوه و یتیم ملت عراق تا حال پافشاری نموده است. امید که آن قهرمان والا گهر برای همیشه از افیون نظام های سیاسی مکار غرب درمان مانده و در قضاوت های خود دچار اشتباه نشود.

منتظر «الزیدی» با رسیدن به اولین کشور اروپائی میزبان ، زبان به ستایش از آن گشوده و به حق از عدم پشتیبانی آن از تجاوز امریکا و متحدین بر عراق یادآور شد. ولی هرگاه بررسی سال دفاع از منافع امریکا در ایران توسط کشور میزبان چشم پوشیده و آن را به حساب «بیطرفی» و «اعمال خیراندیشانه دپلوماتیک» بگذاریم ، گزارش روز قبل (دوشنبه ۱۲ اکتوبر) در روزنامه *ونت مینوت* (۲۴ دقیقه) را به هیچوجه نمی توانیم دست کم بگیریم. با آنکه خبر با عنوان «سلاح سویس کشنده است» ، خیلی کوتاه و سطحی انعکاس داده شده است ولی معضله پنهانی را که عبارت از تولید و فروش سلاح توسط یک کشور «بیطرف» و «صلحدوست» است ، باوضاحت تام بازتاب می دارد:

"زوریخ: هفتاد تن از استادان پوهنئی های حقوق نامه سرگشاده ای را امضاً نموده به حکومت فدرال فرستادند. آنها معتقداند که سویس از قانون صدور سلاح و مهمات جنگی عدول ورزیده است. استادان در نامه خود این نکته را افشاء نموده اند که تعبیر غلط از قانون ، موجب شده است تا سلاح به کشورهایی که درگیر تصادمات مسلح هستند ، صادر شود."

در پایان بیجانخواهد بود اگر اضافه نمائیم که به دنبال واکنش قهرمانانه منتظر «الزیدی» ، افراد مبارز دیگری هم ، ابتکاروی را تکرار نمودند؛ با وجودیکه شرایط و اهداف هر کدام خیلی متفاوت از شرایط و هدف «الزیدی» بوده اند: شخصی در انگلستان کفشی را به طرف رئیس جمهور چین پرتاب نمود و اخیراً ، *دومینیک ستروس کان* - رئیس *اف.ام.ای* یا صندوق وجهی بین المللی - در استانبول آماج چنان خشم به حق قرار گرفت. آنچه «الزیدی» به میراث گذاشت ، همانا تمرد شایسته ، شهامت و عصیان نترس در برابر زورگوئی ، خیمه شب بازی ، ظلم ، بیعدالتی و انسان کُشی است.

اتکاء اش بر توده ها پایدار و راهش پر رهرو باد!

